■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۴۲۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

دوشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۹۹ | ۲۰ ذی الحجه ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۷۲۷ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Monday - August 10, 2020

حدیث روز: تحف العقول

پیامبر اسلام(ص)

هرکس آبروی مؤمنی را حفظ کند، بدون تردید بهشت بر او واجب شود.

پلک احساس: عطار

کس نداند مرد عاشق را ولیك
هر گروهی را گمانی دیگر است

امروز در تاریخ:

- راهپیمایی مردم شیراز به مناسبت برگزاری جشن هنر در این شهر (۱۳۵۷ ش)
- تصویب قانون مطبوعات پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۸ش)
- انتخاب محمدعلی رجایی به عنوان نخست‌وزیر (۱۳۵۹ش)
- درگذشت احمد رائض؛ مینیاتوریست معاصر (۱۳۷۲ش)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۱۰ — غروب آفتاب: ۱۹/۵۹
اذان مغرب: ۲۰/۱۹ — نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۲۳
اذان صبح (فردا): ۴/۴۷ — طلوع خورشید (فردا): ۶/۲۰

پیش‌بینی آب و هوا جمعه

تهران	ایلام	اردبیل	بوشهر	بیرجند	ساری	شهرکرد	یزد
۳۸ / ۲۷	۳۵ / ۱۶	۲۵ / ۱۱	۳۹ / ۳۲	۳۵ / ۱۹	۳۳ / ۲۳	۳۶ / ۱۴	۴۲ / ۲۸

حکمت ۴۴۴: نهج البلاغه

اندکی که پیوسته باشد به از بسیاری که از آن ملول گردند.

تلنگر

ماهیچ مانگاه

علیرضا رأفتی
روزنامه‌نگار

نمی‌دانم این قصه از کجا باب شد. من که فقط بیست و چند سالش را به یاد دارم، اما تا جایی که در تاریخ معاصرمان غور می‌کنم همیشه این حرف و حدیث‌ها نقل محافل و سر زبان مردم بوده که ما چه‌قدر بی‌فرهنگیم و فرنگی‌ها چقدر با فرهنگ‌اند. تاریخ را ورق بزنیم از روزهایی که شاه مملکت‌مان این در و آن در می‌زد که به هر ضرب و زوری شده برود فرنگ را بچرخد. سبیل سفیر روس را چرب می‌کرد و حمد و ثنای فلان رابط را می‌خواند که اسباب سفرش را فراهم کند. این که برود آن طرف و بعد با دوربین عکاسی برگردد و ضمن عکاسی از خود و حرم‌سرایش برای اهل و عیال تعریف کند که آن طرفی‌ها تومنی صنار توفیر دارند با این جماعت رعیت که ما داریم. یا اصلا تاریخ را ورق بزنیم و همین حرف‌ها را بر سر زبان مردم ببینیم و همچنان ورق بزنیم تا جایی که حتی شاه مملکت‌مان برود ترکیه و با توپ پر برگردد که این جامعه بی‌فرهنگ که به درد نمی‌خورد. آن طرفی‌ها را ببینید و فرهنگ‌شان را. اصلا باید مردان‌مان کلاه بگذارند و زنان‌مان چارقد از سر بردارند تا بلکه قدری بتوانیم به گرد آن کاروان فرهنگ برسیم. حالا همین طور این صفحات را ورق بزن و بیا تا همین امروز. تا همین چند سال پیش هر کس از اروپا و آمریکا می‌رسید فامیل جمع می‌شدند دور چمدانش و او هم تا صبح می‌نشست به صحبت از فرهنگ بالای مردم آن ور آب. حالا هم که به لطف شبکه‌های اجتماعی هر روز در تاکسی و نانوایی و تعمیرگاه از فرهنگ پایین خودمان و فرهنگ بالای مردم اروپا و آمریکا می‌شنویم. اما امروز که همه کشورها درگیر ویروس کرونا شده‌اند می‌توان فرهنگ تمام ملت‌ها را در شرایط یکسان دید. در این ور دنیا ما داریم برای ماه محرم‌مان تصمیم می‌گیریم که قید آیین‌های هزارساله‌مان را بزنیم و امسال راه دیگری پیدا کنیم. در آن ور دنیا عکس ساحل‌های پر از جمعیت بدون ماسك رسانه‌ای شده و رسانه فارسی‌زبان انگلیسی در اخبارش می‌نویسد: گرمای هوا در اروپا موجب شده تا شهروندان دم را غنیمت بشمارند و به سواحل هجوم ببرند... خدا بیامرزد سهراب سپهری را، یك دفتر شعر دارد به اسم: ماهیچ، مانگاه!

کافه میرداماد

گفت‌وگو با بیوک ملکی، نویسنده کتاب‌های کودک و نوجوان

پدر و مادرها باسوادند اما کتابخوان نه

عکس: خبرآنلاین

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

۹ آگوست (دیروز) روز جهانی تشویق به کتابخوانی بود. تا سال قبل و پیش از این‌که کرونا همه‌گیر شود و دورهمی‌ها و گردهمایی‌ها تعطیل، مردم در سراسر دنیا در چنین روزی درگروه‌های بزرگ یا کوچک دور هم جمع می‌شدند و کتاب می‌خواندند تا این رسم دیرینه همچنان ادامه یابد. حالا که کرونا آمده و نباید آدم‌ها کنار هم باشند، دیروز در بیشتر نقاط دنیا و بیشتر در آن مکان‌هایی که آدم‌های کتاب‌دوست و کتابخوان زندگی می‌کنند، مراسم کتابخوانی به صورت آنلاین برگزار شد. در کشور ما مساله کتابخوانی و مطالعه از آن مسائل نخ‌نمایی شده که مانند خاری در زخم عمل می‌کند، نه خوب می‌شود و نه آنقدر عمق جراحت زیاد که صورت مساله کلا حذف شود. سال‌هاست آدم‌های مختلفی که در حوزه فرهنگ فعال هستند، هشدار می‌دهند که سرانه مطالعه در کشور ما بسیار پایین است. برخی می‌گویند شرایط تغییر کرده و الان مردم به‌جای کتاب کاغذی، کتاب آنلاین و الکترونیک می‌خوانند و آمار کتاب آنقدرها هم پایین نیست. اما ناشران و آنهایی که دستی در نشر و توزیع دارند، می‌گویند این یک فریب است و تیراژ نشان می‌دهد که کتاب در کشور ما مساله نیست. در میان همه این اظهارنظرها گروهی هم بر این باورند که کتابخوانی یکباره در آدم‌ها شکل نمی‌گیرد و باید مطالعه از کودکی در آدم‌ها برنامه‌ریزی شود تا در بزرگسالی به سبک زندگی آنها تبدیل شده و جامعه ما صاحب آدم‌هایی شود که کتاب می‌خوانند. بچه‌های دهه‌های قبل، سرگرمی‌های محدودی داشتند که اصلی‌ترین آنها خواندن کتاب بود و این عادت در بزرگسالی هم همراه آنها می‌شد اما وقتی سرگرمی‌ها متنوع شد و گسترده، آخرین گزینه اوقات فراغت و سرگرمی برای بچه‌ها شد کتابخوانی. اما برخی با این نظر موافق نیستند و ریشه این‌که آدم‌های امروزی کتاب نمی‌خوانند را در کم‌کاری در سه حوزه می‌دانند: خانواده، مدرسه و صدا و سیما.

ارجحیت معیشت بر کتاب

بیوک ملکی، نویسنده قدیمی و پیشکسوت کودک و نوجوان بر این باور است که بیشتر مردم الان درگیر معیشت هستند و زمانی که پدر و مادر بیشتر حجم ذهنشان درگیر دخل و خرج خانواده است دیگر به این فکر نمی‌کنند که کتاب را در سبد خانواده قرار دهند.

به این نویسنده می‌گویم: اما اگر پدر و مادر دغدغه کتابخوانی داشته باشند و بخواهند این روش را به فرزند خود منتقل کنند، از کتاب‌هایی که در خانه دارند، می‌توانند استفاده کرده و همان‌ها را بخوانند یا حتی مجله بخوانند، چون کارشناسان می‌گویند، فرزند، وقتی پدر و مادر خود را در حال مطالعه ببینند، این رفتار در او نهادینه می‌شود.

ملکی می‌گوید: بله، اینها روش‌های کتابخوان‌کردن بچه‌هاست. همانطور که اگر کتاب دغدغه مسوولان کشور باشد، باید در برنامه‌های تلویزیون کتابخانه حتما وجود داشته باشد، چه در برنامه‌های ترکیبی و چه در برنامه‌های نمایشی، چون در بیننده تاثیرگذار است. اما سوال من این است که چرا جامعه ما در زمینه کتاب به اینجا رسید؟ در دهه ۶۰ تیراژ کتاب‌ها حدود ۲۰ هزار جلد بود اما الان رسیده به ۵۰۰ جلد که دیگر نمی‌توان نامش را انتشار کتاب گذاشت.

جریان‌سازی کیانوش همچنان ادامه دارد

از ملکی می‌پرسم شاید نویسنده‌های خوب هم کم شده‌اند، می‌گوید: این که طبیعی است، ما انتظار نداریم همه آنهایی که می‌نویسند خوب بنویسند. قبل از انقلاب چهار، پنج شاعر خوب و مدرن در زمینه کودک داشتیم که بهترین‌شان محمود کیانوش بود. کیانوش به تنهایی جریانی راه انداخت که هنوز هم وجود دارد و همه شاعران این حوزه اول از او الگو گرفته‌اند. یک شاعر در شعرخوان‌کردن مردم زیادی تاثیرگذار بود. اکنون هم اگر چهار، پنج شاعر و چند نویسنده درجه یک داشته باشیم کفایت می‌کند اما سوال اینجاست که چقدر در زمینه تولید آثار خوب کار شده است، چقدر تلاش کرده‌ایم داستان‌های خوب و اشعار خوب را به بچه‌ها معرفی کنیم و کتابخانه‌های کودک چقدر از نویسنده‌ها، شاعران و مترجمان خوب تغذیه می‌کنند؟ کتابخانه کودک و نوجوان نباید به سمت پرکردن قفسه‌هایش از کتاب‌های بازاری برود. پدران و مادران کتاب‌های خوب را نمی‌شناسند و هر چه دم دستشان می‌آید را برای بچه‌ها می‌خرند. نمایشگاه‌های کتاب از کتاب‌های بُنجل کودک و نوجوان اشباع می‌شود. کتاب‌های خوب لابه‌لای کتاب‌های سطحی گم می‌شود و پیداکردن‌شان سخت است.

نویسنده‌ها دنبال‌کننده ندارند

به ملکی می‌گویم الان دوره شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی است و نویسنده‌ها می‌توانند از این فضا برای معرفی آثارشان استفاده کنند. می‌گوید: این اتفاق می‌افتد اما نویسنده‌ها و شاعران مگر چقدر فالوئر دارند؟ نویسنده، خواننده نیست که میلیون‌ها دنبال‌کننده داشته باشد. مشکل اینجاست که هر جا تولید محتوا مزخرف می‌شود، مردم زیادی آن را دنبال می‌کنند. مثالش تتلو! مخاطب کتاب کم است و این مساله باید اساسی ریشه‌یابی شده و روی آن کار شود، این‌که ما مدام بگوییم و شما بنویسید مشکل حل نمی‌شود. قبلا پدری که بیسواد بود برای فرزندش کتاب می‌خرید حتی اگر دستمزد کمی داشت، چون نمی‌خواست فرزندش مانند خودش بی‌سواد بماند. الان همه پدر و مادرها باسوادند اما نه خودشان کتاب می‌خوانند و نه فرزندان‌شان. وقتی خانواده لنگ می‌زند باید آموزش و پرورش جای او را بگیرد و کتاب را به زندگی بچه‌ها وارد کند. اما بزرگ‌ترین سازمان کشور یعنی آموزش و پرورش هم در این زمینه بسیار کم‌کاری می‌کند. کتابخانه‌های مدارس تغذیه و به روز نمی‌شوند و برخی مدارس اصلا کتابخانه ندارند! باید نویسنده‌ها و شاعران به مدارس دعوت شوند و برای بچه‌ها شعر و داستان بخوانند تا بچه‌ها را علاقه‌مند به مطالعه کنند، اما چند سال قبل یکی از معاونان وزیر آموزش و پرورش گفت ورود شاعران و نویسندگان به مدارس ممنوع است، ما چرا باید اجازه دهیم آنها به مدارس بیایند و برای بچه‌ها نوشته‌های خودشان را بخوانند؟! در این شرایط چطور باید توقع داشت که بچه‌ها به کتابخوانی علاقه‌مند شوند؟ اگر سیستم آموزش و پرورش درست باشد، باید نویسنده‌ها و شاعران خوب را استخدام کند و به آنها حقوق بدهد تا کارشان رفتن به مدارس باشد. اما اصلا در این زمینه کاری نمی‌کند.

جذابیت حرف اول را می‌زند

بیوک ملکی که چندین سال در صدا و سیما کار کرده و در کنار زنده‌یاد قیصر امین‌پور مجله سروش را راه‌اندازی کردند، بر این باور است که صدا و سیما با برنامه‌های خود تاثیر زیادی در کتابخوانی افراد جامعه دارد. او به برنامه‌هایی مانند قصه ظهر جمعه رادیو و آقای حکایتی تلویزیون اشاره می‌کند و می‌گوید هر کدام از این برنامه‌ها مخاطبان خاص خود را داشتند و برخی را کتابخوان حرفه‌ای کردند. برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی زمانی می‌توانند تاثیرگذار باشند که اول جذاب باشند. اول باید مخاطب را پای تلویزیون نشاند و بعد خوراک لازم را به او داد. به نظرم اگر صدا و سیما از مدیران و برنامه‌سازان باتجربه بیشتر استفاده کند در جذب مخاطب تاثیرگذارتر خواهد بود.

می‌گویید کتاب‌های کودکان و نوجوانان تیراژ بالایی دارد، من می‌گویم، نه! بالا نیست، شاید نسبت به کتاب‌های بزرگسالان بیشتر باشد اما در قد و اندازه خود آنقدر زیاد نیست که ثابت کند بچه‌ها کتابخوان‌اند. ما در سال‌های اخیر فقط در زمینه جلد و تصویرسازی کتاب کودک پیشرفت خوبی داشته و در جهان حرفی برای گفتن داریم. باز هم تاکید می‌کنم برای کتابخوان‌کردن مردم یک جامعه باید کودکان را کتابخوان کرد و این کار به همراهی قدرتمند و برنامه‌ریزی سه نهاد نیازمند است: خانواده، مدرسه و صدا و سیما.

مقطع حساس کنونی

پزشك، تلفن، متصدی تلفن و خط مقدم مقابله

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

پزشك جوانی که به تازگی پروانه تأسیس مطلب خود را از اداره درمان دریافت و مطب خود را راه‌اندازی کرده بود و در روزهای نخست تأسیس مطب - به‌جز تنی چند از اقوام که برای تبریك به مطب مراجعه کردند - کسی به مطبش مراجعه نکرده بود، در روز چهارم تأسیس مطب در اتاق خود نشسته بود که در اتاق وی به صدا درآمد. پزشك جوان برای آن‌که وانمود کند اتفاقا خیلی هم پزشك معروف و معتبری است و از اقصی نقاط شهر مریض‌های حضوری و تلفنی و فجازی دارد، به‌سرعت گوشی تلفنی را که روی میزش بود برداشت و به‌طور فرمالیته به صحبت با آن پرداخت و گفت: بله همان داروهایی که نوشتم کافی است... وی سپس به مراجعی که در اتاق را زده بود، گفت: بفرمایید. وی سپس به ادامه صحبت فرمالیته با تلفن پرداخت و گفت: همان آزیترومایسین از همه بهتر است. به نوشیدن مایعات ادامه دهید و استراحت کنید... وی سپس گفت: بله درست است... وی سپس گفت: البته باید ببخشید من الان مریض دارم و حوالی غروب دوباره با شما تماس می‌گیرم و سایر دستورات را خدمت‌تان می‌گویم. وی سپس با کسی که مثلا پشت خط بود خداحافظی کرد و گوشی را گذاشت و به مراجع گفت: در خدمتم، بفرمایید. مراجع با لبخند گفت: من مریض نیستم. پزشك جوان گفت: پس برای چه به مطب آمده‌اید؟ مراجع گفت: از اداره مخابرات آمده‌ام تا تلفن شما را که درخواست داده بودید وصل کنم. پزشك جوان گفت: اگر تلفن مطب وصل نبود پس من الان با کی صحبت می‌کردم؟ متصدی تلفن گفت: سؤال من هم همین است. پزشك جوان که واقعا ضایع شده بود، گفت: می‌خواهید تا اینجا آمده‌اید مفتی معاینه‌تان کنم؟ متصدی تلفن - که به پاس مجاهدت‌های کادر درمان در خط مقدم مقابله با کرونا، اخیرا احترام زیادی برای پزشکان قائل بود - جلو رفت و اجازه داد تا پزشك جوان وی را معاینه کند و هیچ‌گاه از این ماجرا با کسی سخنی نگفت و ما هم که می‌دانیم از جای دیگر شنیده‌ایم.

مرور و عبور — جام جم ۲۰ سال قبل

قیمت گوشت در میادین

گوشت گوساله ران بدون استخوان و چربی: هر کیلو دو هزار تومان
گوشت گوساله سردست بدون استخوان و چربی: هر کیلو هزار و هشتصد و نود تومان
گوشت گوساله قلوگاه و گردن و سرسینه بدون استخوان و چربی: هر کیلو هزار و پانصد تومان
گوشت گوساله راسته بدون استخوان و بدون چربی: هر کیلو دو هزار و صد و پنجاه تومان
گوشت گوساله فیله: هر کیلو دو هزار و پانصد تومان
قلم گوساله: هر کیلو صد و پنجاه تومان
گوشت گوسفند سردست و سینه و گردن بدون دنبه: هر کیلو هزار و هفتصد و سی تومان
گوشت گوسفند ران همراه با قلوگاه و بدون دنبه: هر کیلو هزار و هشتصد و سی تومان
گوشت گوسفند شقه با استخوان و بدون دنبه: هر کیلو هزار و هفتصد و پنجاه تومان
گوشت گوسفند راسته با استخوان و بدون دنبه: هر کیلو هزار و هفتصد و پنجاه تومان
دنبه گوسفندی: هر کیلو دویست و پنجاه تومان (صفحه ۴)

درخشش مهدوی‌کیا در هامبورگ

مهدی مهدوی‌کیا، فوتبالیست جوان ایرانی شب گذشته با هنرنمایی خود عامل اصلی پیروزی تیم‌اش در مصاف با بروندبی دانمارك در دور سوم رقابت‌های مقدماتی جام باشگاه‌های اروپا بود.

در این دیدار که بیش از ۱۲ هزار تماشاگر را به ورزشگاه کشاند، مهدوی‌کیا ابتدا در دقیقه ۸۳، باربارز را در موقعیتی طلایی قرار داد تا از روی پاس او اولین گل هامبورگ را ثبت کند و سپس دو دقیقه بعد دوباره هنرنمایی کرد و گل دوم تیم‌اش را در دروازه بروندبی قرار داد. در دیگر دیدارهای انجام شده شب گذشته هم بشکیتاش در برابر لکوموتیو مسکو صاحب پیروزی پرگل سه بر صفر شد تا حریف بعدی هامبورگ در دور چهارم باشد. (صفحه ۱۵)

فروش اوراق مشارکت، طلا را ارزان کرد

عرضه اوراق مشارکت دولت در بانك‌های کشور و اعلام پیش‌فروش خودرو باعث کاهش نسبی بهای سکه و طلا در بازار تهران شد.

بانك مرکزی از ۱۵ مرداد سال جاری اقدام به انتشار دو هزار میلیارد ریال اوراق مشارکت و عرضه ۷۰۰ میلیارد ریال آن در مرحله نخست کرد.

یك کارشناس اقتصادی به جام جم گفت: مردم به‌دنبال کسب سود بیشتری هستند هر جا که احساس کنند با سرمایه‌گذاری نقدینگی می‌توانند عایدی بالاتری داشته باشند به همان سمت می‌روند. انتشار اوراق مشارکت طرح‌های عمرانی در قطعه‌های ۵۰۰ هزار، یك میلیون، پنج میلیون و ده میلیون ریال باعث شده تا مردم با خرید اوراق سالانه ۱۹ درصد در هر سه ماه سود علی‌الحساب دریافت کنند. بازار سکه و طلا برای سرمایه‌گذاری بلندمدت و چرخش ناگهانی وضع اقتصادی سود مطلوبی دارد. (صفحه ۴)

جام جم
وزارت کشور نمی تواند صداوسیما را وادار به سانسور اخبار کند
۲۵ هزار کودک خیابانی در تهران شب ندارند
امروز سمیه به شوق سخاوت مردم می گرید
خط نقش عشق!
سرانجام عوفات، ایران را برگزید
فروش اوراق مشارکت سکه و طلا را ارزان کرد
شهریور کودکان را اردیبهشتی می کند
کارآگاهان پرونده موزه آبگینه از سایه به روشنایی می آیند

صدام: حکام خلیج فارس، مشوق جنگ علیه ایران

رئیس جمهور عراق، علت جنگ هشت ساله اش با ایران را تشویق برخی حکام عرب حوزه خلیج فارس اعلام کرد.

به نوشته روزنامه عرب زبان چاپ لندن، صدام حسین طی سخنانی در حضور فرماندهان نظامی به مناسبت سالروز خاتمه جنگ عراق با ایران گفت: قبل از شروع جنگ میان ایران و عراق، وزیر نفت امارات حامل نامه‌ای از جانب شیخ زاید رئیس دولت امارات برای وی بوده که در این نامه رئیس دولت امارات مدعی سوءنیت ایرانیان نسبت به جهان عرب شد و برحمایت امارات از عراق در جنگ با ایران تاکید کرد. (ص ۱۳)

روی خوش سی‌ان‌ان به انتشار الکترونیکی

شرکت تایم وارنر، بزرگ‌ترین شرکت رسانه‌ای دنیا تا ماه آینده (شهریور. سپتامبر) نخستین فهرست کتاب‌هایی را اعلام می‌کند که به صورت الکترونیکی منتشر خواهد کرد. بنا به گفته این کمپانی، بخش نشر الکترونیکی تایم وارنر موسوم به «آی پابلیش» تا ماه آینده انتشار ۲۳ عنوان کتاب جدید را آغاز خواهد کرد. در میان نویسندگان این سری نام اولین واف، نیکلاس اسپارکس و ماندرا براون دیده می‌شود. این اقدام تایم وارنر، یك روز بعد از اعلام انتشارات راندوم‌هاوس مبنی بر تاسیس واحدی برای نشر الکترونیکی در درون انتشارات و نشر ۲۰ عنوان کتاب به صورت الکترونیکی در سال ۲۰۰۱ صورت گرفت. شرکت تایم وارنر در حقیقت مادر شبکه خبری سی‌ان‌ان است. (صفحه ۱۶)